

گزارش‌هایی از مدرسه مبارکه دارالفنون در دوران ناصری^۱ (قسمت سوم)

● سمیه شریفی‌نژاد* ● نیایش پورحسن**

اشاره

گزارش‌های روزانه و هفتگی دارالفنون از اسناد مهم و معتبری است که در نوبه خود می‌تواند زوایای دیگری از فعالیت‌های این مدرسه را روشن‌گری نماید. تعداد این گزارش‌ها نامعلوم است؛ اما به نظر می‌رسد که در دوران ناصری به اندازه هفته‌های تحصیلی مدرسه دارالفنون بوده است که امروزه متأسفانه تمام آن‌ها به‌صورت کامل و مدون در دست نیست. مقاله حاضر به یک گزارش مفصل از بازدید سفرای ژاپن از مدرسه دارالفنون اختصاص دارد.

مقدمه

گزارش‌های روزانه و هفتگی مدرسه دارالفنون که با عناوین «کتابچه»، «روزنامهچه» و «روزنامه وقایع‌اتفاقیه مدرسه مبارکه دارالفنون» تحریر می‌شده است، اوراقی دست‌نویس در یک یا چند صفحه به رنگ‌های نخودی، بنفش، زرد، آبی، سفید و... می‌باشد که از سوی مسئولان دارالفنون تهیه می‌شده است.

این اوراق که در مدت ایام تحصیلی دارالفنون ثبت می‌شده است، گزارش‌هایی از عملکرد معلمان، دانش‌آموزان، خلیفه‌ها، نمرات، شیوه‌های تدریس، کلاس‌ها، تنبیه‌ها و... می‌باشد که در ابتدا به‌صورت روزانه و سال‌های بعد به‌صورت هفتگی تحریر می‌شد و از سوی مسئولان آن مدرسه به وزیر علوم و شخص شاه ارائه می‌گردید.

۱. گزارشی از بازدید سفیر ژاپن (نوبویوشی فوروکاوا) از مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۹۷ق.

* عضو کتابخانه آستان قدس رضوی

** پژوهشگر و از اعضای منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر ایران E-mail: epourhassanniayesh@gmail.com

از تواریخ این گزارش‌ها چنین استنباط می‌شود که مسئولان دارالفنون از بدو آغاز، به‌صورت منظم به ثبت وقایع روزانه یا هفتگی آن مدرسه پرداخته و به ثبت و ضبط این گزارش‌ها خیلی توجه داشتند.

با آن‌که تعداد این گزارش‌ها به اندازه هفته‌های تحصیلی دارالفنون بوده است؛ اما امروزه تعداد اندک و پراکنده‌ای از آن‌ها در گوشه و کنار مراکز اسناد و آرشیوهای شخصی باقی مانده است.

گزارشی که از نظر می‌گذرد، همانند سایر گزارش‌های مدرسه دارالفنون، نسخه‌ای دست‌نویس می‌باشد که به خط شکسته نستعلیق در ده صفحه تحریر شده است.

از ویژگی‌های این گزارش باید به چند نکته مهم اشاره کرد:

نخست آن‌که: گزارش مزبور به بازدید هیئت اجرایی نخستین سفارت ژاپن از مدرسه دارالفنون در تاریخ ذی‌قعدة ۱۲۹۷ ق. اختصاص دارد. این هیئت هفت نفره عبارت بودند از: نوبویوشی فوروکاوا^۱ (افسر ستاد جنگ ژاپن)، ماسهارو یوشیدا^۲ (نخستین سفیر ژاپن به ایران) و پنج بازرگان برجسته ژاپنی به نام‌های: ماگوایچیرو یوکویاما^۳، ایتارو گوتو^۴، تاکیکی فوجیتا^۵، چو جیرو میکاوا^۶؛ و ماساجیرو تسوجیدا^۷.

دوم آن‌که: در ادامه شماره‌ی قبلی این گزارش‌ها که به گزارش‌های دارالفنون و میرزاعلی‌اکبرخان نقاش‌باشی مزین‌الدوله اختصاص داشت، این گزارش نیز اطلاعات جالبی از فعالیت‌های تدریس این چهره فرهیخته و هنرمند به‌ویژه در زمینه تدریس موزیک و زبان فرانسه به ما می‌دهد که تاکنون بر جامعه‌ی هنری به‌ویژه موسیقی مغفول مانده بود. در این گزارش به‌صورت علنی با گوشه‌ای از فعالیت‌های موسیقیایی مزین‌الدوله آشنا می‌شویم که از نظر عین‌السلطنه سالور؛ «میرزاعلی‌اکبرخان... به درجه‌ی عالی در مدرسه دارالفنون موزیک تعلیم می‌داد» (سالور، ۱۳۷۴: ج ۶، ص ۴۲۱۳).

سوم آن‌که: درباره‌ی بازدید هیئت ژاپنی از مدرسه دارالفنون خوش‌بختانه دو مدرک در دست داریم؛ نخست: همین گزارش خطی است که برای نخستین‌بار به جامعه پژوهشی ارائه می‌شود و دوم: قسمتی از خاطرات و سفرنامه فوروکاوا (یکی از همین اعضای بازدیدکننده) که با عنوان «وصف دارالفنون» تحریر شده است.

نگاه مسئولان دارالفنون و هیئت ژاپنی به فعالیت‌های مدرسه‌ی دارالفنون در نوبه خود جالب و متفاوت می‌باشد.

1. Nobuyoshi Furukawa
2. Masaharu Yoshida
3. Magoichiro Yokoyama
4. Itaro Goto
5. Takichi Fujita
6. Chujiro Makawa
7. Masajiro Tsuchida

به هرحال گزارش خطی دارالفنون که از نظر می‌گذرد، از جمله گزارش‌های دست اول و مهمی از برنامه یک‌هفتگی آن مدرسه است که اکنون برای نخستین بار منتشر می‌گردد. برای برطرف ساختن برخی از شبهات، قسمت‌های مربوطه از آن گزارش را با سفرنامه فرورکاوا مطابقت دادیم و در پاورقی درج نمودیم.

روزنامه مدرسه مبارکه دارالفنون

به تاریخ یوم یکشنبه چهارم شهر ذیقعدة [۱۲۹۷ ق.ا]
لغایت پنجشنبه هشتم شهر مزبور

◇ روز یکشنبه چهارم، دو ساعت از روز برآمده، نواب اشرف والا شاهزاده وزیر علوم^۲ به مدرسه تشریف آورده، به کلی و جزئی امور مدرسه رسیدگی فرمودند.

◇ رئیس مدرسه^۳ خدمت نواب معظم‌له عرض کرد که سفیر ژاپون اظهار میل به دیدن مدرسه کرده، اگر اجازت می‌دهند، در این هفته به مدرسه بیاید؛ تعیین روز نموده، اخبار کنیم. نواب والا اذن داده و سفارش پذیرایی سفیر معزی‌الیه را نمودند.

◇ ناظم مدرسه^۴ مراتب درس‌های معلمین و صورت غایبین مدرسه را عرض نمود. سه‌ساعت به غروب مانده، در بالاخانه سردر مدرسه تشریف بردند و مجلس شورای حفظ صحت^۵ برقرار شد. اطبای بزرگ حاضر شدند.

◇ دکتر طولوزان حکیم‌باشی، مراتب خدمات میرزاعبدالعلی طبیب مأمور حافظ‌الصحة آذربایجان را خدمت نواب اشرف والا وزیر علوم و اجزاء محترم مجلس اظهار کرد. طبیب مورد تحسین و آفرین شد.

◇ میرزا زین‌العابدین حکیم حضور همایونی، سنگ مئانه بسیار بزرگی که از مرد پیر شصت‌ساله بیرون آورده بود به‌نظر اهل مجلس رسانید. موجب تحیر و تعجب و باعث تمجید و تعریف حکیم مشارالیه شد.

۱. مصادف با ۱۰ اکتبر ۱۸۸۰ م؛ و ۱۵ مهر ۱۲۵۹ خ. لغایت ۱۴ اکتبر ۱۸۸۰ م؛ و ۱۹ مهر ۱۲۵۹ خ.

۲. منظور شاهزاده علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه (۱۲۳۴-۱۲۹۸ ق.) است.

۳. منظور جعفرقلی‌خان نیرالملک (۱۲۴۷-۱۳۳۳ ق.) است.

۴. منظور محمدحسین خان ادیب است.

۵. این مجلس به دستور ناصرالدین‌شاه و به ریاست شاهزاده اعتضادالسلطنه از تاریخ ۱۲۸۵ ق. در مدرسه دارالفنون تشکیل شد.

- ◇ روزنامه حفظ صحت ولایات مشهد و بروجرد و زنجان و بسطام و کاشان قرائت شد. روزنامه داده بودند که آبله اطفال اشتداد^۱ دارد و مردم از بابت وفور آبله که به طور وفور است احتراز دارند که آبله اطفال خود را بکوبند. مصلحت دیدند خدمت نواب اشرف والا شاهزاده معظم آقای نایب السلطنه^۲ عرض کنند و حکم مؤکد صادر شود که کوبیدن آبله درین حالت و خود مرض نیز کمال مصلحت است و ضرر ندارد؛ بلکه نفع به کلی می‌بخشد و حتماً مردم را به کوبیدن آبله مجبور کنند.
- ◇ از روزنامه غسل‌خانه‌های دارالخلافه چنین برمی‌آید که باز آبله طغیانی دارد و اطفال تلف می‌شوند. مقرر شد صاحبان اطفالی که تلف شده‌اند [را] بخوانند و باز جواب کنند که چرا آبله را نکوبیده‌اند؟
- ◇ در این هفته حاجی نجم‌الملک^۳ همه روزه دو ساعت قبل از ظهر درسی از نقشه‌کشی در باب تعریف مقیاس‌های نقشه و کشیدن نقشه با زنجیر بدون اسباب دیگر - به شاگردان مخصوص خود داد و سرکشی و مواظبت از سایر درس‌های ریاضی نمود و در عمل نقشه‌کشی شهر و نقل عمارات جدید بر روی نقشه بزرگ به واسطه مهندسین مراقبت داشت.
- ◇ علی‌خان؛ معلم توپ‌خانه، مراقبت از مشق شاگردان مخصوص خود داشته، همه روزه مشغول ترجمه و تألیف کتب مقدماتی بود. [به] علاوه درس‌های تاکتیک و تاریخ طبیعی و اسلحه که مازور جهت متعلمین داده، می‌گوید ترجمه کرده در حضور خود او به شاگردان درس گفت.
- ◇ مازور؛ معلم پیاده نظام، همه روزه صبح و عصر به مدرسه حاضر شده، مراقبت تام از درس و مشق شاگردان سپرده به خود نمود.
- ◇ میرزا ابوالقاسم؛ معلم طب ایرانی، دوشنبه و سه‌شنبه را که معین و مقرر است از برای طب ایرانی، سه ساعت قبل از ظهر به مدرسه آمده از کتاب شرح یقین در باب حرارت غریزی درس به شاگردان طب گفت.
- ◇ دکتر علی، چهارشنبه و پنج‌شنبه را برحسب مقرر به مدرسه حاضر شده از کتاب پاتلژی در امراض قلبی درس به شاگردان طب گفته.
- ◇ میرزا اکاظم؛ معلم طبیعی، شنبه و یک‌شنبه را درسی از شیمی در اقسام کربن و ترکیبات او به شاگردان طب گفته بود، مشغول سایر کارهای مرجوعه به خود شد.
- ◇ میرزا ابوالحسن‌خان؛ همه روزه دو ساعت قبل از ظهر به مدرسه حاضر شد. درسی از تشریح در استخوان‌های صورت و غیره به شاگردان مرتبه دویم طب گفت.

۱. اشتداد: شدت. سخت و قوی.

۲. منظور کامران میرزا نایب‌السلطنه، پسر ناصرالدین شاه است.

۳. منظور میرزا عبدالغفار نجم‌الملک (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ق.) معلم نامدار مدرسه دارالفنون است که در علوم هندسه و ریاضی و نقشه‌کشی و جغرافی از مشاهیر دوران خود بود.

◇ میرزاعلی‌اکبرخان [نقاش‌باشی] همه‌روزه با شاگردان مرتبهٔ اول و دویم موزیک به‌میدان مشق حاضر شد، مشغول مشق و تعلیم موزیکان چیان بود. بعد به‌مدرسه مراجعت کرده به درس و مشق شاگردان موزیک پرداخت و بعد از ظهر مشغول تدریس زبان فرانسه شد.

◇ معلمین فارسی و عربی یک ساعت از طلوع که شد به‌مدرسه حاضر شده مشغول تدریس و تعلیم اطفال فارسی‌خوان بودند و تا هنگام نهار کمال مراقبت را داشتند.

◇ همه‌روزه بعد از صرف نهار، شاگردان پیش‌نماز مدرسه، با ناظم و شاگردان در مسجد جنبِ مدرسه حاضر شدند و نماز جماعت گذاردند.

◇ در ساعت پنج به غروب مانده، معلمین زبان فرانسه و انگلیسی و روسی به اطاق‌های درس خود حاضر گشته و بعد از دو ساعت الی دو ساعت‌ونیم مراقبت، درس را تمام کرده، معاودت نمودند.

◇ همه‌روزه دو نوبت بعد از اتمام درس‌های صبح و عصر هر یک از متعلمین که تغافل و تسامح در کار خود کرده بودند و نمره‌های بد داشتند؛ ناظم در حضور معلمین، آن‌ها را حاضر کرده، تنبیه و سیاست نمود و تا نیم ساعت به غروب مانده محض مباحثه و مذاکره شاگردان در مدرسه بود. بعد زنگ مرخصی را زده از مدرسه بیرون رفتند.

◇ روز چهارشنبه هفتم^۱، چهار ساعت به‌غروب مانده جناب یوشیدا مسحرو^۲ سفیر مخصوص ژاپن با اتباع خود به‌مدرسه آمد. رئیس مدرسه و معلمین در بالاخانهٔ در مدرسه منتظر ایشان بودند.^۳ پس از ورود سفیر معزی‌البه، مستر طیلر^۴ معلم انگلیس از جانب رئیس، معلمین را معرفی نمود و بعد از آن، از جانب سفیر، اجزاء سفارت را برای رئیس معرفی کرد. اجزاء سفارت مزبوره ازین‌قرار بودند: جناب یوشیدا مسحرو ایچی مخصوص، یوکویا ماکوئی جیروه مترجم فورکاوا نوبویش^۵ مهندس؛ و چهار نفر تاجر.

پس از صرف عصرانه و شربت، مأمور مزبور به‌واسطهٔ مترجم خود و آن مترجم به‌واسطهٔ مستر طیلر از رئیس مدرسه بعضی استفسارات از تاریخ مدرسه و عدهٔ معلمین و متعلمین و وضع درس‌ها و طبقات علوم دایره مدرسه به‌جا آورده و برای هر یک جواب مناسب شنید و هم‌چنین رئیس از عدهٔ مدارس و طرز تعلیم و تعلم مملکت ژاپن

۱. چهارشنبه ۷ ذی‌قعدة ۱۲۹۷ق. مصادف با ۱۳ اکتبر ۱۸۸۰م؛ و ۱۸ مهر ۱۲۵۹خ.

2. Masaharu Yoshida

۳. «به جلوی در ورودی این مدرسه که رسیدم، شش هفت مدرس یا مأمور پایین‌رتبه‌تر، این‌جا از من و همراهان استقبال و ما را به بالاخانه هدایت کردند. در این‌جا مدیر مدرسه و هفت هشت معلم ادبیات و نظام به ما خوشامد گفتند.» (سفرنامهٔ فوروکاوا، ص ۱۰۲).

۴. مستر تایلور (Mr. Taylor)؛ معلم و مترجم زبان انگلیسی مدرسهٔ دارالفنون.

5. Magoichiro Yokoyama

6. Nobuyoshi Furukawa

استفسار نمود و سفیر جواب گفت. بعد از این سؤال و جواب به بالاخانه عکاسی رفتند؛ و نهایت اجتماع عکس برداشتند. پس از آن پایین آمده وارد حیاط مدرسه شدند.

◆ ناظم و آجودان مدرسه که با لباس نیم رسمی حاضر بودند معرفی شدند و مأمورین را در اطاق‌های درس راهنمایی کردند.

◆ اول [به] اطاق^۱ میرزا علی اکبرخان نقاش‌باشی که درس زبان فرانسه را نیز می‌گوید، وارد شدند و مراتب تحصیل متعلمین به‌طور اختصار اظهار شد. دو نفر از حفظ بعضی قصص‌ها خواندند و ترجمه کردند و مستحسن و مقبول افتاد و تصاویری که آویخته بودند^۲ به‌دقت دیدند و مشق ناتمام شاگردان را خوب ملاحظه کردند و اظهار تمجید و توصیف کردند.^۳

◆ بعد از آن به اطاق مادروس خان معلم زبان روسی رفته از مراتب تحصیل متعلمین آن‌جا مستحضر شدند^۴ و از آن‌جا به اطاق پروسکی خان معلم زبان فرانسه رفته، از بعضی متعلمین مطالب جغرافیایی سؤال شد و آن‌ها به‌خوبی جواب گفتند. بسیار بسیار پسند افتاد.^۵ پس از آن به اطاق مسیو ریشارخان^۶ معلم زبان فرانسه رفته، به‌مراتب تحصیل متعلمین رسیدگی کردند و از اهمات معلم و متعلمین تمجید کردند.^۷

۱ منظور اتاق نقاش‌خانه است که میرزا علی اکبرخان در آن صبح‌ها به تدریس نقاشی و عصرها به تدریس زبان فرانسه می‌پرداخت.

۲ از آن‌جا که این اتاق، به شاگردان نقاشی نیز اختصاص داشت، لذا هنرجویان، تابلوها و تصاویر خود را نیز به دیوارهای آن اتاق آویزان می‌کردند.

۳ «نخستین کلاسی که دیدیم اتاقی بود که در آن علوم فرنگی و نقشه‌کشی می‌خواندند. بر کف سنگی این اتاق، نیمکت و چارپایه ردیف شده و نزدیک ۵۰ شاگرد با لباس تیره بر این نیمکت‌ها نشسته بودند. معلم فرنگی بر تخته سیاه که به دیوار آویخته بود به فرانسه می‌نوشت و به شاگردان درس می‌داد. بالای چهار دیوار اتاق، نقاشی سیاه‌قلم اروپایی و نیز نقاشی رنگی کار شاگردان نمایش داده شده بود. با رسیدن ما از شاگردان خواسته شد که به پا خیزند و سلام و احترام کنند و معلم آن کلاس در حضور ما از شاگردها درس پرسید. فرانسه شاگردها تا اندازه‌ای خوب بود. دیدم که یکی دو نفر از شاگردان، لباس قشون ایران پوشیده و کلاه نظامی به سر گذاشته و شمشیر به کمر بسته‌اند. به‌نظر آمد که آن‌ها افسر نظام هستند که در درس حاضر می‌شوند. شاگردها، هم‌سن و سال نبودند و به تفاوت از ۱۲-۱۳ ساله تا ۲۴-۲۵ ساله می‌نمودند.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۳).

۴ «اتاق دومی که رفتیم کلاس زبان روسی بود و معلم مرد روس به یازده دوازده شاگرد درس می‌داد. چند تا از این شاگردها با مقدمات زبان روسی آشنا شده بودند؛ اما بهترین شاگرد این کلاس، دو سال پیش که نیروی سوار قزاق تشکیل شد مدرسه را رها کرد و رفت تا برای آن‌ها مترجمی کند و حاضر نبود.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۳).

۵ «اتاق سوم کلاس جغرافیا بود. معلم فرانسوی به نزدیک پنجاه شاگرد که سه چهار تاشان افسر قشون بودند، درس جغرافیا می‌داد. معلم از شاگردی که روی کلاهش نشان سرهنگی داشت خواست که نقشه‌ای ساده از آسیا روی تخته سیاه بکشد و درباره این منطقه از او پرسش کنم. هرچند که نقشه‌ای که کشیده بود نادرست بود و تقریباً نامفهوم، کوشش کردم که امتحانی بکنم. پرسیدم که کوه‌های کون‌لون کجاست؟ اما نمی‌دانست. پس پرسیدم که مملکت کره کجاست؟ و او به جایی در حدود کانتون چین اشاره کرد. در این وقت، معلم جغرافیا خواست که درباره محلی نزدیک به ایران از او بپرسم. پس درباره طول و عرض جغرافیایی تهران سؤال کردم و باز نتوانست جواب بدهد. فهمیدم که اطلاع او در حد شاگرد دبستانی بی‌دانشی است. پیش خود فکر کردم که هرچند در این‌جا، در مملکت ایران، مهمان هستیم، اما در قشون ژاپن فقط درجه سلطانی دارم و عجیب است که حالا از سرهنگ قشون مملکت ایران امتحان شفاهی می‌گیرم.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: صص ۱۰۳-۱۰۴).

۶ در اصل متن، مسیو ریشارخان درج شده است.

۷ «اتاق چهارمی که رفتیم کلاس زبان فرانسه بود که این‌جا پنجاه شصت شاگرد از معلم فرانسوی درس می‌گرفتند و میان آن‌ها هم چند صاحب‌منصب قشون دیدم.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴)

◇ بعد از آن به اطاق مستر طیلر معلم انگلیسی رفته. درین اطاق بیش‌تر از سایر اطاق‌ها توقف کردند و در تحصیل متعلمین غوررسی نمودند؛ زیرا که زبان انگلیسی می‌دانستند. بسیار از طرز تعلیم و تعلم و پیشرفت درس‌ها تعریف کردند.^۱

◇ از آن‌جا به موزیک‌خانه داخل شدند. میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی که در این ایام رسیدگی مخصوص به متعلمین موزیک دارد با شاگردان حاضر بود. چندین نوای موزیک نواختند و مستمعین را محظوظ و متعجب ساختند. بسیار اظهار مسرت نمودند و دو نفر از شاگردان مرتبهٔ اول، پس از اتمام موزیک به نوبت مشغول شدن پیانو شدند و بر سرور حاضرین افزودند.^۲

◇ از آن‌جا وارد صحن مدرسه گردیدند. ماژور استناداخ معلم پیاده نظام، مشقی از حرکت سرباز به شاگردان داد و متعلمین مزبور با کمال چابکی و چالاکی از روی علم و عمل از عهدهٔ مشق برآمدند^۳ و پس از آن به حجرهٔ ژیمناستیک وارد شدند و متعلمین مشغول مشق جست‌وخیز و مشق اسب و مشق قداره‌بازی شدند.^۴

◇ الحق همهٔ مشق‌ها شایستهٔ تعریف و حیرت میهمانان محترم شد و بسیار تمجید کردند. در این موقع جناب یوشیدا مستحرو مأمور ژاپن به‌توسط مترجم خود و مستر طیلر نطقی کردند مشعر بر اظهار مسرت و خشنودی از دیدن مدرسه و معرف به احوال تعلیم و تعلم آن و اقرار بر امتنان از پذیرایی رئیس و ارباب مناصب و معلمین مدرسه و مخصوصاً حظی که از مشق‌های پیاده و موزیک و ژیمناستیک حاصل کرده بودند؛ در ضمن نطق خود مندرج ساختند.

◇ میرزا کاظم بعضی فقرات خطبه را که راجع به ماژور بود با زبان فرانسه به ماژور اظهار کرد. رئیس مدرسه و ماژور و سایر معلمین اظهار مسرت و سرافرازی از دیدن و پسندیدن سفیر مزبور نمودند.

۱ «اتاق پنجم کلاس زبان انگلیسی بود با هفتاد هشتاد شاگرد و معلمش آقای تابلور که با معرفی‌مان واسطهٔ دعوت ما به دارالفنون شده بود.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴).

۲ «اتاق ششم صحنه‌مانندی بود که جلوی آن را پله‌پله ساخته بودند و در اطراف، در بالا و پایین؛ در چند طبقه، غرفه‌های کوچکی درآورده بودند. گفتند که در این‌جا موسیقی نظامی و پیانو نواخته و اجرا می‌شود.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴).

۳ «آن‌گاه به حیاط و باغ مدرسه رفتیم. در این‌جا معلم اتریشی به ۳۶ شاگردش حکم کرد که با تفنگ ورنڈل بایستند. آن‌ها به دیدن ما پیش‌فنگ کردند و سپس رژه رفتند و به آهنگی که گروه موسیقی می‌نواخت قدم گرفتند؛ اما چون این‌جا باریک بود، نمی‌توانستند حرکات نمایشی بکنند و فقط دور حوض قدمرو کردند و دو گونه مارش قدم آهسته و قدم تند را نمایش دادند. آن‌ها در چهار دسته، هر دسته از پنج نفر، به صف شده بودند؛ و هر دو دسته به نوبت پخش و جمع می‌شد. با دیدن نمایش آن‌ها احساس کردم که در حرکات با تفنگ چندان مهارت ندارند و پیشرفت نکرده‌اند؛ اما آهنگی که دستهٔ موسیقی می‌نواخت چنان تند بود که نشان می‌داد که برای شاگردان نظام همگام‌شدن با آن سخت است.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴)

۴ «سپس به اتاقی رفتیم که کف آن را شن ریخته و آن‌جا ادوات ورزشی کار گذاشته بودند. شاگردانی که حرکات با تفنگ را نمایش می‌دادند همه این‌جا آمدند. تفنگ‌ها را به دیوار آویختند و به عملیات ورزشی پرداختند.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: صص ۱۰۴-۱۰۵).

◇ آن وقت سفیر خطاب به متعلمین پیاده کرده تحسین و آفرین گفت و ایشان را تشویق بر مواظبت و تعلیم فنون نظامی نمود و گفت امیدواری حاصل است که در زیر سایه تربیت چنین پادشاه هنرپرور دانشمند، دوستی عنقریب هر یک از شماها که به زحمات تعلیم و مشق فنون نظامی می‌پردازید عماقرب به مناصب جلیله و مراتب عالیه نظام نایل و فایز شوید و اسم این مدرسه که از ابنیه عالیه شاهنشاه است مستدام و باقی بماند و در ممالک اقصی و بلاد دور دست روی زمین نام نیک مدرسه پاینده باشد.

◇ از جانب متعلمین بر اظهار امتنان از رأفت و مهربانی و نیکی نیت مأمور معزی‌الیه افزوده شد. از آن جا بیرون آمده در ایوان جلو [ای] اطاق رئیس که صندلی‌ها چیده بود نشستند و استراحت نموده، چای و قلیانی صرف کردند. نقشه دارالخلافة که چندی است متعلمین اول هندسه به دستورالعمل حاجی نجم‌الملک معلم کل ریاضی می‌کشیدند به نظر مأمورین رسید، زایدالوصف جلوه کرد و بیش از اندازه تحریر، تمجید کردند^۱ و مجدداً خطاب [ای] جناب سفیر عنوان کردند مشحون بر تشکر از همگی پذیرایی رؤسا و متعلمین مدرسه و لذاتی که در این چند ساعت در این مدرسه حاصل کرده بودند و گفتند که یکی از بهترین یادگاری‌های این سفر ما دیدن امروز ما خواهد بود.

◇ رئیس مدرسه پس از تعارفات رسمی و اظهار مراتب دوستی و اتحاد دُول متحابه^۲ اظهار کرد که آن چه را سفیر دیدند و شنیدند درس‌های عصر بود که اغلب منحصر است بر زبان‌های خارجه و بعضی مشق‌ها و حال آن که درس‌های علمی از قبیل فنون ریاضی مقدماتی و عالیه و علوم طبیعی و طب و پیاده و توپخانه قبل از ظهر گفته می‌شود.

◇ مأمور معزی‌الیه اظهار داشت که با کمال میل یک روز صبح آمده در سر درس‌های علمی حاضر خواهند شد. رئیس جواب داد که هر وقت میل داشته باشند و خبر کنند و بیایند مایه خشنودی معلمین و سرافرازی متعلمین خواهد بود.

◇ نیم ساعت از شب پنجشنبه گذشته، سفرا با اجزاء خود راضی و خوش وقت از مدرسه رفته و رئیس و ناظم و سایر اجزاء به منازل خود مراجعت نمودند.

[حاشیه پایین صفحه آخر]: هو. روزنامه مدرسه مبارکه دارالفنون از قرار است که عرض شده است. (سجع مهر) جعفرقلی ۱۲۷۹ [ق.]

۱. «پس از پایان نمایش، به اتاق پیشین [نزد مدیر و معلمان مدرسه] رفتیم و چای خوردیم و استراحت کردیم و نقشه نیمه‌تمامی را که از تهران تهیه می‌کردند، دیدیم. وعده دادند که پس از تمام شدن آن برای هر کداممان یکی به رسم هدیه خواهند فرستاد.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۵).
۲. دوستی. دوست‌شده.

منابع

۱. عین السلطنه سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). خاطرات عین السلطنه، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، تهران، اساطیر، ج ۶.
۲. فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.